

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۹۷، صفحات ۱-۳۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۱/۱۸

تأثیر سیاست نظامیگری نادرشاه افشار بر تجارت خارجی ایران

سیدهاشم آقاجری^۱

فرشاد مومنی^۲

سمیه خانی‌پور^۳

چکیده

دوره نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ه.ق) دوره شورش‌ها و جنگ‌های متمادی داخلی و خارجی در تاریخ ایران توصیف می‌شود که در پی بر افتادن صفویه ایجاد شده بود. این امر، بخش‌های اقتصادی و اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار داد. این نوشتار به تأثیر سیاست نظامیگری نادرشاه افشار بر تجارت خارجی ایران می‌پردازد و جهت تفسیر مسئله پژوهش، از روش توصیفی و تبیینی استفاده می‌شود. یکی از مباحث مهم اقتصادی ایران در دوره نادرشاه، کاهش و رکود تجارت خارجی ایران بود که ادامه روند اواخر دوره صفوی بود. این مسئله متأثر از خط مشی و رویکرد نظامیگری نادرشاه بحرانی‌تر گردید زیرا هزینه‌های سنگین اقتصادی - اجتماعی آن، مانع پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور شد. رویکرد نظامیگری نادرشاه که به اخذ مالیات‌های سنگین از تولیدکنندگان و تخریب زیرساخت‌های کشاورزی، تجاری و ناامنی داخلی منجر شد، کاهش تولید اصلی‌ترین کالاهای صادراتی ایران یعنی ابریشم و پشم را در پی داشت. کاهش کالاهای تجارتي ذکر شده باعث افزایش قیمت آن‌ها شد که در نتیجه تجارت خارجی ایران را تحت شعاع قرار داد. کمپانی‌های خارجی در این دوره متأثر از وضعیت داخلی ایران، با کاهش سودآوری مواجه شدند. در نتیجه این شرایط، سطح فعالیت‌ها و تعاملاتشان با ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

واژگان کلیدی: ایران، نادرشاه، نظامیگری، تجارت خارجی.

aghajari@modares.ac.ir
farshad.momeni@gmail.com
s.khanipur@modares.ac.ir

۱ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران
۲ - استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران
۳ - دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

The Influence of Nader Shah's Militarism Policies on the Iranian Foreign Trade

S. H. Aghajari¹

F. Momeni²

S. Khanipour³

Abstract

The time of Nader Shah (1148-1160 H) is considered as the period of rebellions and continuous civil and foreign wars in the history of Persia, which followed the fall of the Safavid dynasty. This influenced the social and economic sectors in Iran. This study is supposed to indicate the effects of Nader Shah's militarism policies on Iran foreign trade. It uses descriptive and explanatory methods to interpret the problem. One of the important discussions in Iran economy at the time of Nader Shah is the downturn of the Iran foreign trade, which was continued from the Safavid era. Due to Nader Shah's militarism policies, the situations became worse and the high costs of his social-economic policies were obstacles to the economic growth. Nader's militarism policies which led to getting high tax, demolishing the agricultural and economic foundations and internal insecurity, ended up with a decrease in the production of the principal export goods, i.e. silk and wool. Reduction of these commercial goods increased their prices, which in turn impacted the foreign trade of Iran. Overseas companies faced reduction in gaining benefit because of the internal situation of Iran. Therefore, their activities and communications with Iran decreased excessively.

Keywords: Iran, Nader Shah, militarism, Foreign Trade.

¹ - Associate Professor, Department of History, Tarbiat Modares University of Tehran
aghajari@modares.ac.ir

² - Professor of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran farshad.momeni@gmail.com

³ - Ph.D. student at Tarbiat Modares University s.khanipur@modares.ac.ir

مقدمه

افزایش بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی در جامعه ایران اواخر صفوی، سرانجام به سقوط دولت صفوی توسط افغان‌های غلزایی منجر گردید (Foran, 1992: 281). در این میان، حاکمیت کوتاه مدت افغانه پیامدهای منفی فراوانی از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نیز روابط خارجی برای ایران در برداشت (فوران، ۱۳۸۷: ۱۲۶). شاخصه‌های عمده این دوره نظیر طوفان‌های فزاینده سیاسی، عصیان و نافرمانی حاکمان محلی و مأموران دولتی، قبیله‌گرایی، درگیری‌های درون دودمانی و اشغال بخشی از کشور توسط روسیه و عثمانی، جامعه ایران را دچار آسیب‌های فراوان اجتماعی و رکود شدید حیات اجتماعی و اقتصادی نمود.

تحت تأثیر این شرایط، به نظر می‌رسد با ظهور نادر و سرکوب افغان‌ها، اخراج بیگانگان و سپس تکیه بر اریکه سلطنت در سال ۱۱۶۰-۱۱۴۸ ه.ق/۱۷۴۷-۱۷۳۶م کشور روی آرامش را خواهد دید اما تمام دوران سلطنت او به جنگ و کشورگشایی سپری شد. در واقع، استراتژی اصلی حاکمیت نادر بر محور نظامیگری بنیان نهاده شده بود. از آنجایی که در مشی این رویکرد اولین و ضروری‌ترین کار، نگهداری سپاهیان است، اگر نظام اقتصادی چنین اجازه‌ای را ندهد، راه‌حل بعدی غارت کشور خود و کشورهای مجاور خواهد بود (رضا قلی، ۱۳۸۴: ۴۲). به همین دلیل یکی از ویژگی‌های بارز حکومت نادرشاه افشار غارت در داخل و خارج از طریق اخذ مالیات‌های سنگین از اقشار مختلف مردم و کسب غنائم جنگی بود. از این رو در پیش گرفتن این خط مشی توسط حاکمیت در این دوره را می‌توان به عنوان یکی از عوامل مهم در رکود حیات اقتصادی ایران بویژه در عرصه تجارت خارجی قلمداد نمود زیرا این امر امکان و فرصت فعالیت گسترده تجاری را در کشور منتفی می‌ساخت.

مسئله اصلی این نوشتار این است که رویکرد نظامیگری نادرشاه افشار چه تأثیری بر تجارت خارجی ایران داشته است؟ در این جستار با تکیه بر روش توصیفی و تبیینی، تجارت خارجی ایران در دوره نادرشاه بررسی می‌شود و سپس توجه و تأکید خود را به تأثیر مشی نظامیگری وی بر کاهش تجارت خارجی ایران متمرکز خواهیم کرد. با بررسی دو متغیر عملکرد سیاسی و تجارت خارجی در دوره مزبور، به میزان تأثیرپذیری این دو بر یکدیگر،

می‌توان دست‌یافت.

لازم به ذکر است نویسندگان جهت تفهیم موضوع و درک بهتر اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران پساصفویه بعضاً به قیاس دست‌زده و مطالبی را از دوره صفوی همراه با شواهد تاریخی ارائه نموده است.

بدیهی است اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی افشاریه در آثار گوناگونی توجه شده است. برای نمونه آثاری همچون «زندگی نادرشاه» تألیف جونس هنوی، «نادرشاه» تألیف لارنس لکه‌هارت، «حکومت نادرشاه (به روایت منابع هندی)» تألیف ویلم فلور، «اختلاف تجارتهای ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲» تألیف ویلم فلور، «تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه» رضا شعبانی و دیگران می‌توان اشاره کرد. لیکن منابع و آثاری که در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، صرفاً نگاهی کلی و همه‌جانبه به این دوره داشته‌اند و بیشتر به عملکرد سیاسی و یا به جنبه‌ای خاص از آن پرداخته‌اند. در صورتی که پژوهش حاضر در نظر دارد با توجه به اهمیت و ضرورت تاریخ اقتصادی و نبود پژوهش مستقل در این باره بخشی از این کمبود و نقص را برطرف کند.

رویکرد نظامیگری نادرشاه و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران

یکی از دوره‌های پرحادثه در تاریخ ایران، دوره کوتاه‌مدت افشاریه است. تردیدی نیست که نادرشاه توانست با احیای حاکمیت مرکزی، سیر رو به رشد بحران اقتصادی را کند گرداند. با وجود این، در این دوره اقتصاد ایران در نتیجه سیاست نظامیگری نادر و وقوع جنگ‌ها و شورش‌های متعدد به شدت آسیب دید. پرسئیس کشیش ژزوئیت در نامه خود مورخ ۱۱۵۳ ه. ق / ۱۷۴۰ م در این باره می‌نویسد: «از موقعی که به تخت سلطنت نشست است به کاری جز جنگ نپرداخته است ... هیچ چیز نه کوه، نه دشت، نه شهرها، نه قلعه‌ها، نه سپاه [نمی‌توانست] جلوی او را بگیرد.» (کشیشان ژزوئیت، ۱۳۷۰: ۱۴۹-۱۴۸). جنگ‌های پیاپی و بی‌شمار با دولت‌های بزرگ (عثمانی و هند) و زدوخوردهای متوالی با طوایف و ایلات نظیر ازبک، یموت، افغان، عرب، ترک، لزی، بلوچ و دیگران به‌عنوان گوشه‌ای از کارنامه نظامی

نادر این خطمشی را به‌وضوح نشان می‌دهد (رضازاده شفق، ۱۳۸۸: ۱۰-۹). روشن است مخارج جنگ اعم از سرباز، بنه، پول و سلاح سنگین بود. از این‌رو، نادر برای تأمین هزینه‌های جنگ به ثروت بخش تولیدی کشور اعم از بازرگانان و دهقانان متکی بود و این ثروت از طریق جمع‌آوری مالیات به دست وی می‌رسید. بنابراین اگر کارکرد اقتصادی شهرها و روستاها در شرایط مساعد صورت می‌گرفت، مالیات‌ها پرداخت می‌شد اما چنانچه ارباب و فشار در اخذ مالیات به درجه‌ای می‌رسید که تولیدکنندگان را مقروض می‌کرد، آنان دیگر قادر به تأمین نیازهای مالی حاکمیت نبودند. در صورت افزایش فشار، ثروت و درآمدهای مالیاتی شهرها و روستاها کاهش می‌یافت که نتیجه آن نارضایتی عمومی و شورش‌های پی‌درپی در نواحی مختلف کشور بود.^۱ نادر از این مسائل آگاه بود. او نیک می‌دانست که مواجب سربازان و هزینه‌ای که برای تجهیزات می‌پردازد، اقتصاد شهرها و روستاها را فلج می‌کند زیرا چنین سپاهی که همانند انگل سیرناپذیری منابع مالی را بی‌وقفه می‌بلعید، ایران را به ویرانه‌ای تبدیل می‌کرد. جهت شفاف شدن ادعای مزبور، مقوله بودجه سپاه و مخارج نگهداری آن و فهرست درآمدهای ایران در سال‌های آخر سلطنت نادرشاه را بررسی می‌کنیم.

تعداد کل قوای نادرشاه بعد از اردوکشی‌های هندوستان و ترکستان بالغ بر ۳۷۵,۰۰۰ نفر و مخارج نگهداری آن سالیانه به مبالغ گزافی می‌رسیده که عایدات آن‌وقت مملکت، کفاف پرداخت این مخارج را نمی‌نموده است. نادرشاه تا دو سال این مخارج را از نقدینه‌ای که از هندوستان آورده بود، پرداخت می‌نمود و چون این موجودی تمام شد ناچار برای تأمین مخارج قشون، مالیات‌های سنگین و کمرشکنی وضع نمود و مأمورین وصول مالیات باکمال شدت و خشونت به جمع‌آوری وجوه می‌پرداختند. چون اوضاع اقتصادی مردم در اثر چندین سال جنگ‌های متوالی به کلی خراب‌شده بود و با آن‌که نادرشاه در مراجعت از هندوستان وعده داده بود مردم تا سه سال از پرداخت مالیات معاف باشند، اما خلف وعده داد و فشار فوق‌العاده‌ای که برای مطالبه مالیات بر مردم وارد کرد منشأ اصلی نارضایتی‌ها و شورش‌هایی شد که اساس حکومت او را متزلزل ساخت (مقتدر، ۱۳۳۹: ۱۷۲-۱۷۱).

۱- جهت مطالعه بیشتر درباره شورش‌های اواخر عصر نادر ن. گ: (مروی، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۱۸۳-۱۱۷۹).

جدول ۱: فهرست درآمدهای ایران در سال‌های آخر سلطنت نادرشاه

میزان درآمدها به دینار	درآمدهای ایران در نواحی مختلف
۱,۵۰۰,۰۰۰	آذربایجان (تبریز و اردبیل)
۲,۰۰۰,۰۰۰	ایروان و سایر شهرهای ولایت چخور سغد
۱,۵۰۰,۰۰۰	اصفهان، قزوین و فارس
۲,۰۰۰,۰۰۰	خراسان
۱,۰۰۰,۰۰۰	قندهار و هرات
۱۲,۵۰۰,۰۰۰	سیستان و بلوچستان و ولایات واگذاری هند
۲,۷۵۰,۰۰۰	استرآباد و مازندران و گیلان و سایر ولایات ساحلی دریای خزر
۲۳,۲۷۰,۰۰۰	جمع کل درآمد سالیانه

(مقتدر، ۱۳۳۹: ۱۷۱)

اگر مخارج نگاهداری و جیره و علیق و حقوق ۲۵۰,۰۰۰ نفر قشون پارکابی نادرشاه را از قرار نفی ۶ دینار به حساب بیاوریم بودجه این قشون به تنهایی در سال بالغ بر ۱,۵۰۰,۰۰۰ دینار می‌شده درحالی‌که علاوه بر این قشون در هر ایالتی قوای محلی موجود بوده که برای حفظ و حراست مرزهای کشور در نقاط معینی ساخلو ثابت داشتند و تعداد نفرات قوای محلی در سرتاسر مملکت از یک‌صد هزار نفر تجاوز می‌کرده و اگر مخارج این قوا را با سایر هزینه‌های ضروری کشور در نظر بگیریم آن وقت معلوم خواهد شد که درآمدهای کشور کفاف این مخارج سنگین را نمی‌داده است (مقتدر، ۱۳۳۹: ۱۷۲). از این رو، آنچه از کشورگشایی‌های نادر نصیب ایران می‌شد، خرابی و انهدام توأم با فشار و سرکوب بود. هانوی در این باره می‌نویسد: «هنگامی‌که پادشاه ایران در دریا و خشکی مشغول بود ... ایرانیان زیر بار مالیات‌های سنگین می‌نالیدند ... نتیجه این رفتار چه بود؟ جز آنکه مالیات‌های گزافی با انواع و اقسام بیدادگری‌ها از مردم گرفته شد، هزاران نفر دست از جان شستند. اهالی دهکده‌ها و شهرها برای فرار از ظلم و ستم تحصیلداران به کوه‌ها گریختند و

عده زیادی از مردم به نقاط شمالی هند که نادر چندی پیش فتح کرده بود، رفتند و عده‌ای دیگر خود را تحت حمایت ترکان عثمانی نهادند. در قسمت جنوب بعضی‌ها به عربستان گریختند و جمعی دیگر سوار کشتی شده به خاک هند رفتند. در مرکز ایران نیز حال بدین منوال بود...» (هنوی، ۱۳۸۳: ۲۷۷-۲۷۶). بنابراین با بررسی تقریبی میزان درآمد کشور در دوره نادر و همچنین برآورد آن با میزان مخارج نظامی، روشن می‌گردد که عدم توازن بین این دو، افزایش فشارهای اجتماعی و اقتصادی را برای کشور در پی داشت. در ادامه تأثیر این فشارها بر پیکره تجارت خارجی ایران در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تجارت خارجی ایران در دوره نادرشاه

تجارت خارجی ایران پس از سقوط صفویه، به دلیل بحران‌ها و نابسامانی‌های ایجاد شده ناشی از نبود حکومت و جنگ‌های ملوک الطوایفی، دچار رکود و ورشکستگی شد. بروز ناامنی و بی‌ثباتی، کشتار، غارت، اخاذی، تحمیل و اخذ مالیات‌های سنگین و مکرر در این دوره پیامدی جز رکود شدید اقتصادی در بر نداشت. برای نمونه شهر اصفهان قبل از سقوط حکومت صفوی، حدود شش صد هزار نفر جمعیت داشت (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۳۹۰/۴). در طی محاصره این شهر و حاکمیت افغان‌ها عده زیادی از مردم این شهر جان خود را از دست دادند. حزین در این باره می‌گوید: «از سفاهت و رذالت اندک چیزی در نظر ایشان به‌غایت عظیم و عزیز بود و از تنگ‌حوصلگی و ناکسی اگر در شهری اندک‌مایه جمعیتی دست می‌داد از بیم ناگهان به قتل و عام می‌پرداختند و این معامله بر اصفهان به کرات واقع شد.» (حزین لاهیجی، ۱۳۷۷: ۱۹۶)^۱. افزون بر این، در این دوره شهرها و کانون‌های مهم تجاری ایران نظیر جلفا، اصفهان، شیراز، کرمان و... به‌کرار توسط آن‌ها غارت شد و حکمرانان افغان با اخذ مالیات‌های سنگین و بستن جریمه‌های فوق‌العاده بر مردم و به‌ویژه تجار داخلی و خارجی، آن‌ها را چپاول نمودند (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۵۷؛ گیلانتر، ۱۳۷۱: ۱۰۰-۹۳؛ فلور، ۱۳۶۵: ۱۷۰، ۲۶۵، ۲۶۸، ۴۵؛ فلور، ۱۳۶۷: ۱۲۷، ۹۲-۹۳، ۱۷، ۳۲، ۳۴).

۱- برای آگاهی بیشتر از میزان کشتارها در دوره افغان‌ها ن.گ: کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۴ و ۶۹-۷۱ و ۶۵-۶۴؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۵۵ و ۱۴۳؛ مرعشی، ۱۳۲۸: ۵۸-۵۷؛ هنوی، ۱۳۶۷: ۳۱۵؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۷؛ مشیزی، ۱۳۶۹: ۱۲۴؛

در این میان اقدامات موفقیت‌آمیز نادر (۱۱۶۰-۱۱۴۲ ه.ق/۱۷۳۰-۱۷۴۷م) در اخراج افغان‌ها و کوتاه کردن دست متجاوزین (عثمانی و روسیه) از کشور، نویدبخش ثبات و امنیت و رونق بازرگانی می‌توانست باشد. اما همان طور که گفته شد این چشم‌اندازها و فرصت‌ها در نتیجه رویکرد نظامیگری وی تباه شد و به تبع شرایط فوق، مراکز بازرگانی خارجی نیز متضرر گردیدند. به تأثیر از این اوضاع و شرایط، کمپانی‌های خارجی تمرکز اصلی مرکز فعالیت‌های تجارتی خود را در نواحی پس‌کرانه‌ای جنوبی خلیج فارس همچون بصره متمرکز ساختند (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۸۵-۱۸۴، ۱۷۸).

بر اساس گزارش منابع، در این دوره، تجارت و به‌ویژه تجارت ابریشم، همچون دوره صفوی در اختیار و انحصار دولت بوده است و تجار خارجی بدون اجازه دولت حق خرید و فروش نداشتند. این امر سبب شد که تجار به مراکز تجاری دیگر نظیر آستاراخان که تحت تابعیت روسیه بود و بخارا که تحت تابعیت اوزبک‌های هسترخانی قرار داشت و آزادی عمل بیشتری داشتند، مهاجرت کنند (Hanway, 1783:1/120). همچنین سوء سلوک نادر در بخش دوم دوران حکمرانی‌اش و حرص شدید او در جمع‌آوری ثروت پیامدهای منفی و مخربی بر اقتصاد ایران گذاشت. غنائم حاصل از جنگ‌ها، بجای استفاده در بخش‌های مولد اعم از کشاورزی و تجاری، در خزانه دولت راکد و محفوظ ماند و تأثیری بر رشد اقتصادی ایران نداشت. بازن^۱ در این باره می‌نویسد: «من هیچ‌وقت نتوانستم بدانم که مقدار این گنجینه چقدر است ولی می‌دانم که به هنگام مرگ او تمام طلاها و نقره‌های مسکوک به مشهد آورده شد ... من هنگامی که آن‌ها را در میدان عمومی بر روی هم انباشته بودند، دیدم. این صندوق‌ها کوهی تشکیل داده بودند که بلندی آن به اندازه کاخ شاهی مشهد بود.» (کشیشان ژوئیت، ۱۳۷۰: ۱۹۰). تنها دستاورد نادر از جنگ، این بود که جهت تأمین مالی لشکرکشی‌های دائمی خود به افزایش هر چه بیشتر مالیات‌ها اقدام نمود. پیامد این امر، مهاجرت و فرار مردم به دیگر نواحی درون‌مرزی و برون‌مرزی بود (هنوی، ۱۳۸۳: ۲۷۷-۲۷۶). شرایط فوق به شورش‌های متوالی در کشور منجر شد و امنیت و آرامش که رکن اصلی تجارت بود، از میان رفت. بدین ترتیب به دلیل وضعیت ناامن و نامناسب ایران

1- Bazin



بسیاری از تجار خارجی از مسافرت به ایران منصرف شده و یا به‌طور کلی آن را ترک گفتند و از تجارت با ایران صرف نظر کردند. از این رو سطح تجارت خارجی به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت (شعبانی، ۱۳۵۹: ۱/۴۵۵ و سیف، ۱۳۷۳: ۴۶). می‌توان گفت اقتصاد ایران متأثر از این‌گونه سیاست‌ها، لطمه فراوان خورد زیرا حاکمیت به حدی درگیر لشکرکشی‌ها بود که برای رسیدگی به مسائلی حیاتی چون زیرساخت‌های تولیدی فرصت نداشت بنابراین گسترش کشاورزی و بازرگانی که متضمن انگیزش عوامل تولید یعنی امنیت، کار، سرمایه، ارتباطات و معاملات تجاری بود، در فقدان عوامل مذکور به ورطه‌ی نابودی کشیده شد. این امر را می‌توان علت عمده زوال همه‌جانبه اقتصادی کشور در این زمان قلمداد نمود.

تحت این شرایط، صادرات ایران و از جمله ابریشم به‌عنوان عمده‌ترین کالای صادراتی، با نوسانات شدیدی روبرو شد. روشن است در این دوره میزان صادرات ابریشم ایران به نسبت گذشته (متأثر از اوضاع نامناسب سیاسی و آفات طبیعی) کاهش یافت. با مقایسه میزان تولید و صادرات این محصول در سده یازدهم هجری نسبت به سده دوازدهم هجری و به‌ویژه دوره افشاریه می‌توان به این کاهش پی برد.

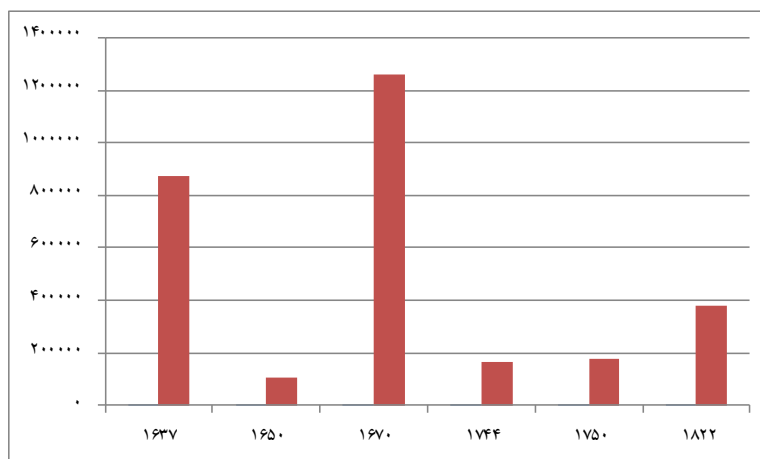
اولتاریوس^۱ تولید سالیانه را برای سال ۱۰۴۸ ه.ق/۱۶۳۸م حدود ۱٫۸ میلیون کیلوگرم برآورد کرده است (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۳۲۰). شاردن^۲ که در سال‌های ۱۰۷۱ ه.ق/۱۶۶۰م در ایران بود، مقدار کل تولید را بیش از ۲٫۵ میلیون کیلوگرم تخمین زده است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/۹۰۲). این که برآوردهای مذکور تا چه حد قابل اعتمادند، روشن نیست ولی تردیدی نیست که در آن سال‌ها مقدار قابل توجهی ابریشم در ایران تولید می‌شده و مازاد بر مصرف داخلی به ایتالیا، عثمانی، انگلستان، هلند، هندوستان و روسیه صادر می‌شده است. به نظر می‌رسد که تولید ابریشم در ایران در فاصله قرون هفتم تا یازدهم هجری افزایش یافته باشد و برای یک دوره نسبتاً طولانی، ابریشم خام عمده‌ترین فرآورده صادراتی ایران بوده است. اما شواهد موجود نشان می‌دهد که در اواخر قرن هفدهم احتمالاً مرتبط با بحران همه‌جانبه

1- Olearius

2- Chardin

حاکم بر اقتصاد ایران، سیر صعودی تولید ابریشم متوقف شده و در فاصله قرن دوازدهم هجری تولید ابریشم به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است (سیف، ۱۳۷۳: ۱۱۶-۱۱۴). برای این که معیاری از این کاهش چشمگیر داشته باشیم، می‌توان میزان تولید ابریشم گیلان در دوره صفویه و پساصفوی و به‌ویژه دوره افشاریه را بررسی کرد. اگر به گفته شاردن بتوان اطمینان نمود در سال ۱۰۸۱ ه.ق/۱۶۷۰ م محصول ابریشم ایران تقریباً ۶۳۳۰۰۰ من معادل ۱۹۰۰۰۰۰ کیلوگرم بوده و از این مقدار ۴۲۷۰۰۰ من آن تنها در گیلان تولید می‌شده است. می‌توان ادعان کرد که این مقدار تولید اوج شکوفایی تجارت ابریشم در ایران و گیلان بوده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۲/۲). در نمودار زیر با ترسیم میزان تولید ابریشم گیلان در ایران، بهتر می‌توان به کاهش تولید ابریشم ایران در این دوران پی برد.

نمودار ۱: محصول ابریشم خام گیلان از سال ۱۲۳۸-۱۰۴۷ ه.ق/۱۷۵۰-۱۶۳۷



(لافون، ۱۳۷۲: ۵۷-۵۶)

از بررسی اطلاعات فوق، می‌توان دریافت که اوج شکوفایی محصول ابریشم ایران مقارن سال ۱۰۸۱ ه.ق/۱۶۷۰ م باید مقدار محصولی در حدود ۱/۹۰۰.۰۰۰ کیلو باشد و گیلان به‌تنهایی در این سال ۱/۲۶۰.۰۰۰ کیلو محصول ابریشم داشته است. بعدها این محصول با کاهش فاحشی روبرو شد، به‌طوری که در سال ۱۱۶۳ ه.ق/۱۷۵۰ م مقدار آن تا ۲۰۰.۰۰۰ کیلو

تنزل پیدا کرد (لافون، ۱۳۷۲: ۵۷-۵۶). افزون بر این، از اوایل قرن یازدهم هجری به بعد و در طول قرن دوازدهم هجری در تولید این محصول نوساناتی مشاهده می‌شود.

جدول ۲: تولید ابریشم خام ایران از سال ۱۰۰۹-۱۱۶۳ ه.ق

سال قمری/میلادی	میزان تولید (تن)	کالا	ردیف
۱۰۰۹/۱۶۰۱	۱۹۰۰	ابریشم	۱
۱۰۳۹/۱۶۳۰	۱۸۸۹	-	۲
۱۰۵۲/۱۶۴۲	۳۰۰۰	-	۳
۱۰۷۲/۱۶۶۲	۱۹۰۰	-	۴
۱۱۵۷/۱۷۴۴	۱۱۰	-	۵
۱۱۶۳/۱۷۵۰	۲۰۰	-	۶

(لافون، ۱۳۷۲: ۵۷-۵۶ و ۵۹)

به طوری که می‌بینیم مقدار این محصول که در اوایل نیمه دوم قرن یازدهم به ۳۰۰۰ تن رسیده بود از آن به بعد به سبب شیوع بیماری پیرین^۱ [و نیز نابسامانی اوضاع داخلی ایران و عدم امنیت و ثبات داخلی، مقدار محصول روند نزولی پیدا کرد.] (لافون، ۱۳۷۲: ۵۷-۵۶ و ۵۹). در دهه ۱۱۴۲ ه.ق / ۱۷۳۰ م تجار ارمنی ۱۰۰۰ عدل ابریشم صادر نمودند. ۱۰۰۰ عدل ۲۵ من و ۳۰۰۰۰۰ پوند و ۱۶ اونس و ۴۵۳ گرم بود که ۱۳۵.۹۰۰ گرم می‌شود. بیشتر این ابریشم - حدود ۷۰-۸۰٪ - به آمستردام هلند فرستاده شد. ابریشم در سال ۱۱۴۸ ه.ق / ۱۷۳۶ م بسیار گران قیمت بود زیرا محصول ابریشم در گنجه و شماخی تنزل یافته بود این امر به علت شیوع بیماری طاعون و شورش لزگی‌ها بود که در نتیجه تولید ابریشم پایین آمد و صادرات آن کاهش یافت. باوجود افزایش کمی ناچیز در صادرات در سال ۱۱۶۲ ه.ق / ۱۷۴۹ م، پس از آن به دلیل جنگ جانشینی، کشت ابریشم به میزان قابل توجهی کاهش یافت. از این رو، ارامنه و روس‌ها تقریباً یک‌دهم مقدار معمول خود را در طول دهه ۱۱۵۰ ه.ق /

۱- نوعی بیماری کرم ابریشم

۱۷۴۰ م صادر کردند (Floor, 2000: 176). افزون بر این، این شرایط، تعادل عرضه و تقاضا را به هم زد. بدین معنا که کمبود یک کالا در بازار منجر به افزایش قیمت آن می‌شود. در این رابطه، هانوی بیان کرده که در سال ۱۱۵۶ ه.ق/ ۱۷۴۴ م به علت این کاهش چشمگیر و نیز تقاضای زیاد، قیمت ابریشم ۱۵۰ درصد افزایش یافته است (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۲۵). ملاحظه می‌شود در این زمان کاهش تولید ابریشم به سبب مسائل فوق بر روند صادرات ایران در این زمینه تأثیر منفی گذاشته است.

جدول ۳: صادرات ابریشم در دهه ۶۰-۱۱۵۰ ه.ق/ ۱۷۴۰ م

سال قمری / میلادی	ارزش به کرون ^۱	من	وزن به تن
۱۱۵۶/۱۷۴۳	۱۲۰.۰۰۰	۷.۵۰۰	۳۷.۲
۱۱۵۷/۱۷۴۴	۵۰.۰۰۰	۳.۱۲۵	۱۵.۵
۱۱۵۸/۱۷۴۵	۶۲.۰۰۰	۳.۸۷۵	۱۹.۲
۱۱۵۹/۱۷۴۶	۵۰.۵۰۰	۳.۱۵۶	۱۵.۶
۱۱۶۰/۱۷۴۷	۱۳.۰۰۰	۸۱۲	۴.۰
۱۱۶۱/۱۷۴۸	۱۲.۰۰۰	۷۵۰	۳.۷
۱۱۶۲/۱۷۴۹	۳۳.۰۰۰	۲.۰۶۲	۱۰.۲

(Hanway, 1783: 2/101 and Floor, 2000: 176)

تجارت منطقه‌ای ایران در دوره افشاریه (عثمانی، هند، روسیه)

شرکای تجاری منطقه‌ای ایران در این دوره همچون گذشته عثمانی، هند و روسیه بودند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که جنگ‌های متناوب با عثمانی و پس از آن حمله به هند ضمن ایجاد چالش و تنش منطقه‌ای، سطح تعاملات تجاری طرفین را به علت ناامنی، مسدود شدن موقتی مسیرهای تجاری و اوضاع نامناسب سیاسی و اقتصادی ایران

۱- ارزش ۱۶ کرون یک من/ سه کیلو و یا ۸ پوند و ۲۴ اونس (۴.۹۶ کیلوگرم) (Floor, 2000: 176).

به نسبت دوره قبل، کاهش داد. روابط تجاری ایران با دیگر شریک تجاری منطقه‌ای خود یعنی روسیه نیز متأثر از شرایط ایجادشده، نوسانات شدیدی در این دوره داشت. در ادامه هر یک شرکای تجاری منطقه‌ای در دوره مورد نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) عثمانی

در این دوره به‌مانند قبل، به دلیل بروز جنگ‌های متناوب ایران و عثمانی و مسدود شدن موقتی راه‌ها و نابسامانی اوضاع سیاسی خسارات زیادی به تجار و تعاملات تجاری طرفین وارد شد.

تلاش‌های نظامی نادرشاه در غلبه بر افغان‌ها در سال ۱۱۴۲ ه.ق/ ۱۷۳۰ م، اخراج عثمانی‌ها از مناطق تصرف‌شده و نشستن بر تاج و تخت شاهی در سال ۱۱۴۸ ه.ق/ ۱۷۳۶ م، روابط تجاری میان دو کشور را چندان ارتقا نداد. حتی مجموعه‌ای از مناقشات نظامی میان دو کشور رخ داد که برای توسعه روابط تجاری سودبخش نبود. افزون بر این، در سال ۱۱۵۲ ه.ق/ ۱۷۴۰ م بخشی از مناطق تولیدکننده ابریشم در قفقاز تحت تأثیر منفی شورش لزگی‌ها (ناشی از رویکرد نظامیگری نادر و اخذ مالیات‌های سنگین از آن‌ها) قرار گرفت. در طول حوادث پس از جنگ‌های ایران و عثمانی در سال ۱۱۵۲ ه.ق/ ۱۷۴۰ م، ابریشم بار دیگر به‌عنوان یک سلاح اقتصادی نقش مهمی ایفا کرد. برای مثال نادرشاه به بازرگانان دستور داد هیچ ابریشمی به عثمانی نفروشند. در نتیجه این ممنوعیت، مالیات بالایی بر تجارت وضع شد و تولید مزارع ابریشم کاهش یافت. از مقایسه ابریشم صادراتی ایران به عثمانی در طول سال‌های ۱۱۴۰ ه.ق/ ۱۷۲۸ م و ۱۱۵۵ ه.ق/ ۱۷۴۳ م متوجه این کاهش می‌شویم. (Floor, 2000: 227).

جدول ۴: صادرات ابریشم به عثمانی در طول سال‌های ۱۱۴۰ ه.ق/ ۱۷۲۸ م و ۱۱۵۵ ه.ق/ ۱۷۴۳ م،

دسته‌بندی برحسب کیفیت به من

سال قمری/ میلادی	حریر کنار	حریر الوان	حریر گیلان
۱۱۴۰/۱۷۲۸	۱۹.۸۱۹	۳۳۹	۳.۸۶۲
۱۱۵۵/۱۷۴۳	۳.۴۰۰	۷۰	۶۲۴

(Floor, 2000: 227)

همچنین در سال ۱۱۶۳ ه.ق/ ۱۷۵۰ م مقدار کمی ابریشم ایرانی به حلب صادر شد. کاهش صادرات ابریشم تأثیر خود را بر تجارت حلب و از میر گذاشت و واردات پارچه در این مناطق که با فروش ابریشم خریداری می‌شد، بیش از ۵۰٪ کاهش یافت (Floor, 2000: 228).

هانوی^۱ تاجر انگلیسی ضمن ارائه آماری درباره میزان صادرات ابریشم ایران در دهه ۱۱۵۲ ه.ق/ ۱۷۴۰ م، اشاره ضمنی به میزان ابریشم صادراتی ایران به امپراتوری عثمانی هم نموده است. آماری که وی به دست می‌دهد از طریق پرداخت عوارض مربوط به خرید کالا در رشت است. در سال ۱۱۵۵ ه.ق/ ۱۷۴۲ م گمرک دریافتی معادل مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ کرون، در سال ۱۱۵۶ ه.ق/ ۱۷۴۳ م گمرک دریافتی معادل مبلغ ۵۰,۰۰۰ کرون. میزان محصول را در سال‌های بهره‌گیری عادی تا حدود ۳۰,۰۰۰ من تخمین زده است که از این مقدار قریب ۶,۰۰۰ من در ایران مصرف می‌شده و نزدیک ۴,۰۰۰ من آن به بین‌النهرین صادر می‌گردیده است (Hanway, 1783: 2/101). از این رو، می‌توان گفت جنگ‌های متناوب ایران و عثمانی و بسته شدن موقتی راه‌های تجاری در این دوره به همراه شرایط نامناسب سیاسی و اقتصادی ایران در کاهش روابط تجاری دو کشور در این دوره تأثیرگذار بوده است.

ب) هند

از دیگر شرکای تجاری قدیمی منطقه‌ای ایران در دوره افشاریه، هند بود. هندیان در امور حیاتی اقتصاد پایتخت و بندرهای ایران موقعیت مستحکمی داشتند. آن‌ها پس از آرامنه مهم‌ترین نقش را در تجارت خارجی ایران داشتند. چنانچه در دوران شاه‌عباس اول، تجار هندی در اصفهان و بندرعباس تجارت خوبی برقرار ساخته بودند. جاده‌های اصلی بازرگانی به طرف شمال غرب، از خیبر، کابل، بولان و قندهار می‌گذشت. راه‌های تجاری دریایی میان ایران و هند که بنادر عمده آن‌ها سورت و بندرعباس بودند قسمت عمده‌ای از کل تجارت دو کشور را انتقال می‌دادند (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۵۹-۲۵۷). تا سال ۱۱۸۶ ه.ق/ ۱۷۷۳ م فعالیت‌های تجاری بسیار گسترده‌ای بین بندرعباس، بوشهر، مسقط و بصره از یک سو و بنگال، بمبئی، مدرس و سورات هند از سوی دیگر وجود داشت. یکی از ویژگی‌های برجسته تجارت بین هند و مناطق دیگر افزایش بهای کالاهای صادر شده نسبت به کالاهای

1- Hanway

وارد شده به این کشور بود. از خلیج فارس انحصاراً به میزان کمی کالا به مقصد هند ارسال می‌گردید. در مورد ایران استثنائاً باید گفت هرگز نه ارزش کالاها و نه میزان آن‌ها برابر واردات از هند نبود و در نتیجه این کشور همیشه از یک تراز منفی تجارت خارجی با هند رنج می‌برد. تعیین ارزش تجارت بین هند و خلیج فارس به سبب پراکندگی اطلاعات و ارقام بسیار مشکل است. یکی از نویسندگان کل تجارت در خلیج فارس را سالیانه تا میزان ۱۶ میلیون روپیه برآورد می‌کند و به نظر او طرف عمده این تجارت هند بوده است. او اضافه می‌کند که ارزش تجارت هند با ایران دو میلیون روپیه تخمین زده می‌شود که ایرانی‌ها ۱۲۰۰۰۰۰ آن را کالا و مبلغ ۸۰۰۰۰۰ روپیه آن را به صورت مسکوکات طلا و نقره و یا شمش طلا پرداخت می‌نمودند (امین، ۱۳۶۷: ۱۶۴-۱۶۱).

ج) روسیه

روسیه از دیگر شرکای تجاری منطقه‌ای ایران بود. تجارت با روسیه تا حدودی از طریق قفقاز انجام می‌گرفت، اما عمدتاً از طریق ماورای دریای خزر به حاجی طرخان و سپس از طریق ولگا به مسکو و ماورای آن انجام می‌گرفت. هم راه زمینی و دریایی از روسیه در حاجی طرخان شروع می‌شد (Floor, 2000: 241).

پس از سقوط اصفهان، نواحی شمالی ایران با تهاجم روس‌ها اشغال گردید. این نواحی از مراکز مهم تولید ابریشم بودند. روس‌ها موفق شدند بر نواحی دربند، باکو و ایالت‌های گیلان و مازندران دست یابند. به‌ویژه با الحاق گیلان به نظر می‌رسید که روسیه موفقیت خود را تجارت ابریشم تثبیت کرده باشد درست مانند عثمانی که همین کار را در تبریز و گنجه انجام داده بود. البته روسیه در سال ۱۱۴۲ ه.ق/ ۱۷۳۰ م و پس از خسارات سنگین انسانی (مرگ حدود ۱۳۰,۰۰۰ نفر) در اثر طاعون و مالاریا، عقب‌نشینی کرد اما در عین حال تجارت آزاد را به هدف دسترسی به ابریشم از طریق معاهده رشت (۱۱۴۵ ه.ق/ ۱۷۳۲ م) و گنجه (۱۱۴۷ ه.ق/ ۱۷۳۵ م) حفظ کرد (Floor, 2000: 237). مطابق عهدنامه‌های مزبور، ایران بار دیگر کنترل مناطق گیلان، باکو و ماورای دربند را به دست آورد. در عوض بازرگانان روسی مزایای ویژه‌ای نظیر آزادی تجارت در سراسر ایران و استفاده از حق ترانزیت به مسیر هند را بدون پرداخت عوارض گمرکی به دست آوردند (Matthe, 1999: 228). به گفته نیکولاس

فان لایپزیک^۱ نماینده هلند در اصفهان، تجارت روسیه از پنج بارکاس عمده تشکیل شده بود که هر ساله در فصل مشخصی از راه می‌رسیدند. تنها بازرگانان ارمنی در این تجارت شرکت داشتند. آن‌ها پارچه‌های هلندی، انگلیسی و روسی، چرم روسی و پارچه‌های زربافت و نقره بافت و نوارهای زرین و همچنین طلا، پرتاووس، قرمز دانه، چوب، آرد، کره، روغن و خز را البته فقط به صورت پنهانی، وارد می‌کردند و عمدتاً ابریشم، روناس، پارچه‌های مرغوب هلندی، پارچه‌های زربافت و نقره بافت رایج ایرانی و امثال آن را صادر می‌کردند. آن‌ها معاف از پرداخت عوارض گمرک و سایر مبالغ بودند. کالاهای ابریشمی و همچنین پشم گوسفند نیز به روسیه می‌رفت (Floor, 2000: 238).

در این بین، با ویرانی و قتل‌عام مردم شماخی در سال ۱۱۴۹ ه.ق/۱۷۳۷ م به دست نادر و شیوع بیماری مرگ‌آور طاعون در شمال ایران در همین سال، تجارت افول پیدا کرد اما به تدریج زمانی که روس‌ها با سی کشتی تجاری در دریای خزر تردد کردند، تجارت دوباره رونق و اوج گرفت و به بالاترین سطح خود در دهه ۱۱۵۲ ه.ق/۱۷۴۰ م رسید. بین سال‌های ۵۷-۱۱۵۶ ه.ق/۴۵-۱۷۴۴ م بیش از ۹۰۰۰ پود (۱۵۰۰ عدل)، ابریشم به روسیه وارد شد. منابع روسی گزارش داده‌اند که بین سال‌های ۱۱۵۱-۱۱۴۵ ه.ق/۱۷۳۳-۱۷۳۹ م چیزی معادل و ارزش ۱۱۶,۷۰۰ روبل ابریشم از طریق آستارا خان به روسیه منتقل گردید در حالی که بین ۱۱۶۱-۱۱۵۲ ه.ق/۱۷۴۸-۱۷۴۰ م رقم ۲۹۲,۱۰۰ و افزایش ۲۵۰ درصدی تجارت ابریشم مواجه هستیم (Matthe, 1999: 228). این افزایش صادرات ابریشم از طریق روسیه به دلیل کاهش صادرات ابریشم به شرق مدیترانه و در نتیجه به انگلستان فرانسه بود که به تدریج در مورد فرانسه (پس از سال ۱۱۳۸ ه.ق/۱۷۲۵ م) و در مورد انگلستان به صورت ناگهانی از ۲۷۴۰۰۰ پوند در سال‌های ۱۱۳۷-۱۱۳۵ ه.ق/۱۷۲۲-۲۴ م به ۸۱۰۰۰ پوند در سال‌های ۱۱۶۵-۶۷ ه.ق/۱۷۵۲-۵۴ م کاهش یافت. همچنین به گفته التون^۲ هزینه صادرات ابریشم از طریق روسیه حدود ۱۷٪ ارزان‌تر از عثمانی بود اما هانوی در این مورد تردید دارد و این اختلاف را تنها ۴٪ ذکر می‌کند. به علاوه اگر نرخ حمل‌ونقل محموله‌ها به حلب پایین‌تر بوده، مسیر عثمانی نیز چندان گران نبوده است. هزینه تحویل کالا از رشت به

1- Nicolas van Leipzig

2- Elton

لندن و برعکس به ترتیب ۳۴٪ و ۳۶٪ بود که نسبت به وضعیت بیش از ۵۰ سال پیش یک پیشرفت محسوب می‌شد. در هر حال مسافری به نام لرخ که در دهه ۱۱۴۲ و ۱۱۵۲ ه.ق/ ۱۷۳۰ و ۱۷۴۰ م به آذربایجان سفر کرده بود، مشاهده کرده که تجارت ایرانیان عمدتاً با روسیه است (Floor, 2000: 239). در این دوره تجارت ایران در دست روس‌ها و ارمنی‌ها بود که از نفوذ انگلیسی‌ها که شروع به حمل‌ونقل کالا برای ارمنستان و سایر کشورها در مقابله با سلطه روسیه کرده بودند، بیزار بودند. بعد از کشمکش‌های فراوان، تجارت بریتانیا از طریق خشکی به ایران کاملاً متوقف شد و روس‌ها و ارمنی‌ها تجارت شمال ایران را در دست گرفتند. آن‌ها می‌توانستند تمام کالاهای اروپایی و آسیایی به‌جز کالاهای نظامی و نیروی دریایی را تجارت کنند. روس‌ها نه تنها از تجارت خود سود می‌بردند، بلکه به‌ویژه از تجارت محموله‌های تجاری به دریای خزر از طریق حمل‌ونقل برنج از گیلان به باکو، دربند و گاهی به سواحل جنوبی منتفع می‌شدند. تنها بازرگانان حاجی طرخان اجازه داشتند در دریای خزر کشتیرانی کنند. این امر گاهی موجب کمیاب شدن کالایی در گیلان می‌شد که نیازمند واردکردن آرد بود و این به معنای سود بیشتر برای روس‌ها بود. در سال ۱۱۶۳ ه.ق/ ۱۷۵۰ م صادرات از ایران به روسیه شامل پارچه‌های ابریشم، اطلس، مخمل، زربفت، نخی، جواهرات، برخی داروها، مس و بسیاری اقلام دیگر، علاوه بر شراب ایران و انواع میوه‌ها و غذاهای شیرین، شیرینی‌ها و غیره بود. صادرات روسیه به ایران محدود بود، زیرا صادرات بسیاری از کالاها ممنوع بود. این اقلام عبارت بودند از آهن، شاهدانه، قیر، قطران، باروت، نیترات پتاسیم، گوگرد، سنگ چخماق و هر چیزی که در ساخت کشتی و جنگ به کار می‌آمد. از این‌رو، تجارت با روسیه برای ایران سودمند بود؛ کسری موازنه زیاد ناشی از آن توسط روسیه به‌صورت پرداخت نقدی جبران می‌شد (Floor, 2000: 239&240). این نکته را نیز باید در نظر گرفت که باوجود ناامنی شدید و بی‌قانونی بین سال‌های ۶۱-۱۱۵۷ ه.ق/ ۴۸-۱۷۴۵ م و با در نظر گرفتن این حقیقت که بازرگانان روسی چیزی در حدود ۱۵۸,۰۷۹ روبل از دست دادند و بسیاری از کالاهای آنان در ایران غارت و خراب شد، تجارت انجام می‌گرفت (Matthe, 1999: 228).

تجارت فرا منطقه‌ای ایران در دوره افشاریه (مناسبات ایران با کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند)

شرکای عمده تجاری فرامنطقه‌ای ایران در دوره افشاریه همچون گذشته کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند بود. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد در این دوره، تجار و کاروان‌های تجاری و نمایندگان کمپانی‌های مختلف هند شرقی زبان‌های زیادی را متحمل شدند و در فاصله سال‌های ۱۱۶۰-۱۱۴۸ ه.ق از سختی‌ها و مصائب رویکرد نظامیگری نادر در امان نماندند. انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در طول این دهه می‌دیدند که چطور عمده‌ترین پایگاه‌های تجاری ایران ویران و یا از بین رفته‌اند و دیگر نمی‌توانند همچون دوره صفویه تعاملات گسترده تجاری داشته باشند و به سودآوری‌های مطلوب خود دست یابند. همچنان که در ذیل خواهد آمد دوره فرمانروایی نادر بر ایران را می‌توان دوره نوسانات فعالیت‌های بازرگانی خارجی به حساب آورد.

الف) روابط تجاری ایران و انگلیس (کمپانی هند شرقی انگلیس و کمپانی مسکوی)

مناسبات دو کشور ایران و انگلیس عبارت است از برقراری روابط تجاری کمپانی‌های هند شرقی^۱ و مسکوی^۲ با ایران، آن‌ها به‌طور عمده در زمینه آوردن ماهوت‌های کارخانه‌های انگلیس و پارچه‌های پنبه‌ای و کتان هند به ایران و خرید ابریشم این کشور و حمل آن به اروپا (شعبانی، ۱۳۵۹: ۴۸۶-۴۸۵).

ذکر این نکته ضروری است که در کنار فعالیت‌های تجاری ایک در ایران، یک شرکت انگلیسی دیگر بنام شرکت مسکوی^۳ در سال ۱۱۵۴ ه.ق/۱۷۴۱ م فعال بود. پارلمان انگلیس اجازه تأسیس این شرکت را جهت تجارت با روسیه و شمال ایران صادر کرد. این شرکت ابریشم ایران را از شمال به اروپا صادر می‌نمود و در عوض پارچه‌های پشمی انگلیسی را به مردم این مناطق می‌فروخت (امین، ۱۳۶۷: ۲۴).

پس از تصرف اصفهان در سال ۱۱۴۲ ه.ق/۱۷۳۰ م بود که نخستین بار بین نادر و

1- The British East India Company

2- Moscovi Company

۳- در ذیل به سابقه حضور آن در ایران اشاره شده است.

انگلیسی‌ها تماس مستقیمی ایجاد شد. در آن زمان انگلیسی‌های معروف مقیم اصفهان عبارت بودند از ویلیام کوکل^۱ نماینده کمپانی انگلیس و معاونش جان گیکی^۲. در این مدت نادر چندین بار با کوکل و گیکی ملاقات نمود و به آن‌ها قول داد زیان‌هایی را که در دوره تسلط افغانان به کمپانی وارد آمده بود، جبران کند اما دوران این دوستی دیری نپائید زیرا به‌زودی رقابتی که از دیرباز بین کمپانی‌های هلندی و انگلیسی وجود داشت رو به‌شدت نهاد و نمایندگان هر یک از این کمپانی‌ها کمپانی دیگر را بدان متهم کردند که در خفا به افغانان کمک می‌کنند. نادر از این اختلاف استفاده نمود و به همین جهت چنین وانمود کرد که اتهامات هر دو کمپانی بجاست و دو مأمور وصول مالیات به کمپانی انگلیسی‌ها فرستاد و مبلغ سه هزار تومان معادل ۷,۰۰۰ لیره انگلیسی مطالبه کرد و مخصوصاً اصرار ورزید که ۱,۰۰۰ تومان از این مالیات یک‌باره پرداخت گردد. چون کوکل و گیکی از پرداخت این مبلغ سرباز زدند نادر به آنان اخطار کرد که هرگاه در پرداخت مالیات تعلل ورزند سخت مجازات خواهند شد و چون آنان فقط حاضر به پرداخت سیصد تومان گردیدند نادر به محصلین دستور داد که این مبلغ را بگیرند و کلیه اسباب کمپانی را نیز تصرف نمایند (ن.گ: لکه‌هات، ۲۵۳۷: ۵۸-۵۹؛ فلور، ۱۳۶۸: ۱۶-۱۵؛ صنعتی زاده کرمانی، ۱۳۴۰: ۲۰۹-۲۰۸).

پس‌از آن در سال ۱۱۴۵ ه.ق/ ۱۷۳۳ م نادر وعده داد که امتیازات تجاری انگلیس را در ایران تجدید کند و این پس از سقوط بغداد بود که در این هنگام آن را محاصره کرده بود. ولی پس‌از آن در اثر سیاست انگلیسی‌ها مبنی بر کمک به عثمانی در دفاع از بصره در جنگ آنها با ایران، روابط نادر با انگلیسی‌ها به سردی گرایید اما کمی بعد در اواخر سال ۱۱۴۷ ه.ق/ ۱۷۳۵ م نادر فرمانی برای آن‌ها صادر کرد. بر طبق این فرمان، نادر نمایندگان کمپانی در اصفهان و کرمان را از عواید سالانه به مبلغ ۱,۰۰۰ تومان در سال و یا هر مقداری که محمدتقی خان والی فارس تشخیص دهد، از پرداخت مالیات معاف کرد (لوریمر، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

گذشته از ایک^۳، تشکیلات تجاری دیگر انگلیس یعنی کمپانی مسکوی (در ایران

1 - Willem Cocal

2 - Jhon Giki

3 - E.I.C/ The British East India Company

دست‌کم از زمان شاه‌تیماسب صفوی و آمدن آنتونی جنکینسن^۱ به خدمت این پادشاه در سال ۹۷۰ه.ق/۱۵۶۲م سوابق آن‌ها در دست است.) نیز بر سرکار بود و به فعالیت‌های بازرگانی مشغول بوده است. حوزه عمل تجار و واسطه‌های آن‌ها هم غالباً صفحات شمالی ایران بود. نمایندگان فعال و مشهور آن چون جان التون^۲ و جونس هانوی، هرکدام سال‌ها در این ملک بودند و با اوضاع و احوال جوامع ایرانی و سازمان‌های مختلف آن آشنایی پیدا کردند (Hanway, 1783: 2/30).

در این دوره و با وجود شرایط سخت ناشی از جنگ‌های متمادی داخلی و خارجی و ناامنی راه‌های تجاری، کمپانی در زمان نادر و جانشینان وی، تجارت اجناس ذیل را بر عهده داشته است. اولین کالای صادراتی انگلیس به ایران پارچه‌های انگلیسی و به‌ویژه از نوع پشمی بود. محصولات پشمی انگلیسی که به ایران صادر می‌گردید به‌صورت پارچه ماهوت و کرباس و در طرح‌ها و رنگ‌های مختلف بود (امین، ۱۳۶۷: ۱۵۲). هانوی، آماری از فروش ماهوت و دیگر پارچه‌های انگلیسی توسط شرکت مسکوی، به شرح ذیل ارائه داده است:

جدول ۵: میزان فروش ماهوت و دیگر پارچه‌های صادراتی کمپانی مسکوی انگلیس به ایران

منطقه	نخ (مقدار به عدل)	پارچه (مقدار به عدل)	ماهوت (مقدار به عدل)
مشهد و توابع آن	۳۰۵	۱۰۰	۷۰۰
بخارا	۲۰	۵۰	۱۰
خوارزم	۱۵	۳۰	۱۰
بلخ	۱۵	۱۵	۵
اندخود	۱۰	۱۵	۵

(Hanway, 1783, 2/167 and 24 & 25)

وی همچنین یادآور می‌شود که قریب یک هزار توپ فاستونی معمولی و معادل یک هزار و پانصد توپ فاستونی عریض که قسمت عمده آن از طریق خلیج فارس و راه کرمان

1 - Anthony Jenkins

2 - Jhon Elton

واردشده، در صفحات مذکور به فروش رفته است. ضمن اینکه تجار انگلیسی چیزی حدود ۸۰ پوند پارچه نخی را نیز در سال ۱۱۵۶ه.ق/۱۷۴۳م به استرآباد وارد کرده‌اند (Hanway, 1783, 1.2/167 and 24&25).

هانوی همچنین میزان کلی پارچه‌های صادراتی کمپانی مسکوی انگلیس به ایران را در طی دهه ۱۱۵۰ه.ق را ارائه نموده است.

جدول ۶: میزان پارچه‌های صادراتی کمپانی مسکوی انگلیس به ایران

سال قمری / میلادی	میزان به عدل	ارزش به کرون
۱۱۵۵/۱۷۴۲	۴۸۶	۱۷۰,۰۰۰
۱۱۵۶/۱۷۴۳	۴۱۴	۱۴۴,۹۰۰
۱۱۵۷/۱۷۴۴	۲۹۹	۱۰۲,۶۵۰
۱۱۵۸/۱۷۴۵	به ارزش	۲۵۲,۹۴۲
۱۱۵۹/۱۷۴۶	به ارزش	۲۰,۰۰۰
جمع کل ۶۸۹,۵۹۲ کرون معادل ۱۷۴,۳۹۸ لیره استرلینگ		

(Hanway, 1783, 2/101)

باوجوداین، بحث ناآرامی‌ها و آشوب‌های سیاسی این دوره، تأثیر بدی بر تجارت به‌طور کلی و ازجمله تجارت اجناس پشمی در ایران گذاشت. هانوی در این باره بیان کرده که نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی ایران به‌سختی در اوضاع تجاری اثر گذاشته و ارزش پول رایج چنان بالا رفته و اساساً کمیاب شده که میروپ^۱ از تجار شرکت مسکوی به‌سختی توانسته است که در مشهد در خلال بیست‌وهفت ماه اقامت نزدیک بیست‌ودو هزار تومان معامله کند. از سویی چون ایرانیان در مضیقه شدید پولی قرار داشتند، تاجر مزبور ناچار به ازای فروش کالاهای خود، اجناس محلی را خریداری کرده بود (Hanway, 1783: 2/101).

1- Mierop

همچنین گزارش ۲۳ محرم ۱۱۵۷ ه.ق / ۸ مارس ۱۷۴۴ م کمپانی در بمبئی، شرایط مزبور را انعکاس داده است (P.R.O. 11. C227.10000 132 A).

علی‌رغم وجود شرایط نامساعد سیاسی و امنیتی و عدم سودآوری بالا در تجارت، کمپانی همچنان فعالیت خود در این زمینه را، در ایران ادامه داده است. بر اساس گزارش ۱۵ ربیع الاول ۱۱۶۰ ه.ق / ۲۷ مارس ۱۷۴۷ م کمپانی حاکی از آن است که ۱۴۱ لنگه ماهوت و ۱۰۰۰ قطعه منسوجات دیگر توسط ایک از بندرعباس به کرمان ارسال شده است (P.R.O. 11. C227. 10000 136 A).

در مقابل، ایک اقلامی چون ابریشم و پشم کرمان از ایران به انگلستان وارد می‌کرد. در جدول زیر میزان خرید ابریشم توسط تجار انگلیسی ارائه شده است.

جدول ۷: میزان خرید ابریشم ایران در دهه ۶۰-۱۱۵۰ ه.ق / ۱۷۴۰ م توسط تجار انگلیسی

سال قمری / میلادی	ارزش به کرون
۱۱۵۶/۱۷۴۳	۱۲۰,۰۰۰
۱۱۵۷/۱۷۴۴	۵۰,۰۰۰
۱۱۵۸/۱۷۴۵	۶۲,۰۰۰
۱۱۵۹/۱۷۴۶	۵۰,۵۰۰
۱۱۶۰/۱۷۴۷	۱۳,۰۰۰
۱۱۶۱/۱۷۴۸	۱۲,۰۰۰
۱۱۶۲/۱۷۴۹	۳۳,۰۰۰
معادل ۳۷۵,۵۰۰ کرون = ۹۳,۳۷۵ لیره	

(Hanway, 1783: 2/30)

هانوی درباره خرید و تجارت ابریشم ایران بیان می‌کند که بهای ابریشم ایران آن قدر مناسب است که به هر نوع خطری برای به دست آوردن آن می‌ارزد. چه همه‌ساله عثمانی‌ها منافع سرشاری از بابت فروش ایران به دست می‌آورند و از این راه بر قدرت مالی خویش

می‌افزایند و اما خود می‌گویند که یک من ابریشم شعرفاف را که معادل هشت پوند که هر پوند (تقریباً نیم کیلو) معادل ۲۴ اونس است، تنها به بهای شانزده کرون از تهیه‌کننده و یا تاجر ایرانی می‌خریدم و با احتساب سی و چهار درصد عوارض کلی آن، می‌توانستم که بهای هر پوند را به قیمت ۱۶ شیلینگ^۱ و شش پنس برسانم و تازه آن را در بازارهای فروش تا بیست و هشت شیلینگ عرضه کنم. (Hanway, 1783: 2/101). این آمار و اظهارات تاجر انگلیسی هانوی، خود گویای این امر است که حتی در شرایط نه‌چندان مطلوب جامعه ایران، آن‌ها در زمینه تبادلات تجاری کالای مهمی چون ابریشم فعال بوده و سود لازم را نیز کسب می‌کردند. چنانچه مقایسه خرید و فروش کلی تجار انگلیسی شرکت مسکوی، بیانگر رقم قابل توجهی است. هانوی این ارقام را به صورت زیر ثبت کرده است:

الف) خرید از ایران (تماماً مربوط به تهیه ابریشم) از سال ۱۱۵۶ ه.ق / ۱۷۴۳ م تا ۱۱۶۲ ه.ق / ۱۷۴۶ م معادل ۳۷۵,۵۰۰ کرون = ۹۳,۳۷۵ لیره.

ب) فروش به ایران از سال ۱۱۵۵ ه.ق / ۱۷۴۲ م تا ۱۱۵۹ ه.ق / ۱۷۴۶ م معادل ۶۸۹,۹۵۲ کرون = ۱۷۴,۳۹۸ لیره. (Hanway, 1783: 2/101).

پشم کرمان از دیگر اقلام صادراتی ایران به انگلیس بود. در این میان، تمهیدات مربوط به تهیه پشم کرمان بخش اعظم یادداشت‌های روزانه کمپانی در بندرعباس را تشکیل می‌دهد. در ماه رمضان ۱۳۳۹ ه.ق / آوریل ۱۷۲۷ م در مدخلی گفته می‌شود که یکی از هدف‌های نمایندگی در گمبرون «بیشترین سرمایه‌گذاری ممکن در پشم کرمان است.» در ماه مه نوشته شده بآنکه تعداد گوسفندان فراوان بوده «افغان‌ها در آنجا بوده و بسیاری از آن‌ها را همراه با غارت کامل منطقه برده و باعث کمیابی پشم شده‌اند.» منتهی با وجود قیمت بسیار گزاف، مقدار فراوانی پشم خریداری شده است (آوری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۴۷-۳۴۶).

در مدخلی دیگر مربوط به رویدادهای ۱۱۴۸-۱۱۴۷ ه.ق / ۱۷۳۶-۱۷۳۵ م از بار زدن ۱۱۸ عدل پشم کرمان، ۲۰۰ کیسه گز مس، ۴۰ کیسه کلوخه مس و ۵۰ صندوق شراب شیراز

۱- پول قدیم انگلیسی معادل ۱ / ۲۰ لیره استرلینگ.

خبر داده است C227. 10000 119A (P.R.O. 11.). همچنین گزارش‌های روزانه جمادی الاول ۱۱۴۸ ه.ق / دسامبر ۱۷۳۶ م حاکی از آن است که کشتی‌های انگلیسی ۳۹۲ کیسه پشم کرمان به ارزش دویست و سه هزار و صد و هشتادوهفت شاهی از بندرعباس به بمبی فرستاده‌اند ولی به سبب بسته‌بندی ناقص، کارگزاران کمپانی نتوانستند آن را به فروش برسانند. افزون بر این، محموله‌ای بالغ بر ۶۰۰۰ پوند هندی از کرمان فرستاده شده بود اما به دلیل ناامن بودن راه‌ها و لشکرکشی نادر به قندهار، در زمان معین به بندرعباس نرسید. از سویی، در این زمان چهارپایان باری جهت حمل تدارکات ارتش شاهی که رهسپار قندهار بود، همگی ضبط شده بودند. در نتیجه دیگر پشمی وارد نشد. از سوی دیگر، در این دوره، به علت تقاضاهای زیاد خیاطان نظامی نادر، پشم در کرمان کمیاب شد. از این رو، نمایندگان کمپانی چیزی در حدود ۱۴۰۰۰ پوند پشم خریداری کردند (P.R.O. 11. C227. 10000 122A). بنا به گزارش ۱۵ ربیع الاول ۱۱۶۰ ه.ق / ۲۷ مارس در ۱۷۴۷ م نماینده کمپانی در بندرعباس نگران شده بود که مبدا نتواند پشم کافی از کرمان تهیه کند، آن‌ها می‌ترسیدند که ۵۰۰۰ هزار پوند که از کرمان سفارش داده شده قابل تولید نباشد. مردم به خاطر ظلم حاکمیت مجبور بودند بزهای خود را در بازار بفروشند تا برای پرداخت مالیات پول به دست آورند و بلاد اطراف نیز غارت شده و بزهای آن‌ها از بین رفته بود (P.R.O. 11. C227. 10000 135 A).

درواقع، بین سال‌های ۱۱۶۰ ه.ق / ۱۷۴۷-۱۷۷۳ م پشم کرمان تنها قلم صادراتی ایران به انگلستان بود. در نیمه اول قرن ۱۸ فروش این کالا برای کمپانی هند شرقی سود سرشاری را همراه داشت اما از چند سال قبل از مرگ نادرشاه و هرج‌ومرجی که بعدها پیش آمد، دادوستد این کالا به‌طور کلی متوقف شد. هیئت‌مدیره در سال ۱۱۶۳ ه.ق / ۱۷۵۰ م به نمایندگی بندرعباس دستور خرید و ارسال ۵۰ هزار پوند پشم کرمان را صادر نمود. ولی این نمایندگی نتوانست بیش از ۴۰۰ پوند از آن را تهیه و به لندن حمل نماید (امین، ۱۳۶۷: ۱۵۹-۱۵۸).

در واقع، فعالیت تجاری ایک و دیگر تجار انگلیسی در این دوره، تحت تأثیر شرایط داخلی ایران و طرز برخورد دولت ایران و کارگزاران حکومتی آن بوده است (Saldanha,)

1908:53). چنان که در اوایل ذی الحجه ۱۱۵۹ ه.ق/دسامبر ۱۷۴۶ م هنگامی که نادر در اصفهان بود با نمایندگان یک به خوبی برخورد کرد. با وجود این، در آغاز سال ۱۱۶۰ ه.ق/۱۷۴۷ م نماینده یک در اصفهان گزارش می‌دهد، ستم‌گری و بیدادگری پادشاه در ایران خط پایان به تجارت در این کشور، کشیده است. هیچ کاری در ایران نمی‌توان انجام داد مگر برای شاه پول جمع کرد. او همچنین در پایان سال ۱۱۵۹ ه.ق/۱۷۴۶ م وضعیت نمایندگی یک را به صورت «ضرر مطلق» توصیف می‌کند. در نتیجه به نماینده یک در بندرعباس اجازه داده شد تا چنانچه صلاح بداند در مورد تعطیل نمایندگی اصفهان تصمیم بگیرد. یک در اجرای همین اقدام به نمایندگی اصفهان دستور داد تا پارچه‌های پشمی موجود خود را به بالاترین پیشنهاد بفروشد و در مورد کالاهای دیگر نیز به همین شکل عمل کند و عازم بندرعباس یا بصره شوند. نمایندگان یک در بندرعباس و کرمان نیز از ناامنی و وضع بد تجارت به سبب شورش، ستم‌گری و اخاذی نادرشاه و مأمورین دولت از کمپانی خبر داده‌اند (ن.گ: امین، ۱۳۶۷: ۲۶-۲۴؛ حائری، ۱۹۶: ۱۳۶۴؛ ورهرام، ۱۳۶۴: ۴۹۶). از سال ۱۱۶۰ ه.ق/۱۷۴۷ م که نادر به قتل رسید یک هنوز در داخل ایران یعنی در اصفهان و کرمان دفتر خود را حفظ کرده بود اما در اثر هرج و مرج اوضاع داخلی ایران، موقعیت بازرگانی و تجارت یک نیز چندان مناسب نبود و یک سرانجام در سال ۱۱۶۳ ه.ق/۱۷۵۰ م دفتر خود را در اصفهان بست. همچنین یک تصمیم گرفت که دفتر بندرعباس را نیز به همین مناسب به محل امن‌تری نقل مکان کند (ورهرام، ۱۳۶۴: ۴۹۶).

از سوی دیگر، کمپانی مشترک روسی-انگلیسی (مسکوی) با دشواری‌های مختلف جهت انجام امور تجاری مواجه گردید و آن چنان که باید و شاید نتوانست به مقاصد اقتصادی خود دست یابد (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۴۷-۶۴۶). علل شکست هم تجاری بود و هم سیاسی و بخصوص دلیل ثانوی. چنان رقابت سختی بین روس‌ها و انگلیس‌ها و آرامنه در گرفته بود که بازارهای گیلان پر از اجناسی بود که خریدار نداشت. انگلیسی‌ها نیروی خود را صرف کار خویش و رفع حسادت‌هایی می‌کردند که میان شرکت‌های رقیب پیش آمده بود. ایران هم در آن دوره به قدری وضع پریشان و آشفته داشت که در افراد رمقی برای خرید جنس باقی نمانده بود، دیگر وضع بغرنج و پرخرج و مرج ایران بعد از نادرشاه بود که انجام آسان کار تجارت را بسیار بعید می‌نمود (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۴۹-۶۴۶).

ب) کمپانی هند شرقی هلند

بنا بر منابع هلندی، پس از ورود به اصفهان، نادر در ۱۸ ذی القعدة ۱۱۴۲ ه.ق / ۴ ژوئیه ۱۷۳۰ م مترجم واک^۱ را فراخواند و فرمانی را که متضمن امتیازات هلند بود از او خواست. وی به میل خود از وقایع‌نویس خواست که فرمانی را که شاه سلطان حسین در ۱۱ محرم ۱۱۳۵ ه.ق / ۲۲ اوت ۱۷۲۲ م به واک داده بود، کلمه به کلمه از نو بنویسد و سایر امتیازات واک را در رقم جدیدی تأیید کند. این تفقدات همچنین در ۱۷ جمادی الثانی ۱۱۴۲ ه.ق / ۷ ژانویه ۱۷۳۰ م با مهر شاهی تأیید گردید. البته شاه قبلاً در گفتگویی که بین او و اسخارور^۲ نماینده واک به تاریخ ۱۱۴۲ ه.ق / ۱۷۳۰ م صورت گرفته بود، از بن با تأیید این امتیازات موافق بود. نادر همچنین فرمان داد که هلندیان دوباره در محل نمایندگی واک اقامت کنند. هلندی‌ها در ۱۹ ذی القعدة ۱۱۴۲ ه.ق / ۵ ژوئیه ۱۷۳۰ م به تجارت‌خانه آمدند. با این وجود، اندک زمانی بعد، هلندیان به این مسئله پی بردند که اوضاع آنان بهتر از سابق (دوره حاکمیت افغان‌ها) نخواهد بود؛ زیرا هم در نتیجه بدرفتاری و سوءاستفاده کارگزاران افشاری و نیز متأثر از سیاست‌های نظامیگری نادر آنان مجبور به پرداخت باج و مالیات‌های سنگین شدند (فلور، ۱۳۶۸: ۳۷، ۴، ۱۸-۱۷، ۱۵-۱۴).

تحت این شرایط، در ۹ ذی الحجه ۱۱۵۳ ه.ق / ۸ مارس ۱۷۴۰ م شورای واک در بندرعباس بر آن شد که شعبه واک در اصفهان را به سبب زیان مالی تعطیل کند. همچنین احساس می‌شد که اگر نادر در راه هند فوت کند شعبه واک در اصفهان در معرض اخاذی قرار خواهد گرفت. شعبه اصفهان محصولات اندکی را برای صدور خریده بود. به آلمیس^۳ دستور داده شد که همه کارکنان و نیز دو دلال واک را با دفترهایشان همراه خود ببرد. قرار بود حفاظت از اموال غیرمنقول را به مترجم بسپارند و او درازای دریافت مواجب از آن‌ها مواظبت کند. سرانجام شورای واک مترجم را برای سرپرستی شعبه واک در اصفهان گذاشت و به او دستور اکید داد که دیگر به کسی پیشکشی ندهد. تصمیم مشابهی نیز در شعبه کرمان گرفته شد و همان‌طور که بعداً خواهد آمد، آن شعبه هم تعطیل شد (فلور، ۱۳۶۸: ۹۰-۸۸).

1- V.O.C/ Verenigde Oostindische Compagnie

2- schowoeer

3- Almese

با وجود این شرایط سخت، واک به تجارت خود ادامه می‌داد. در این دوره همچون سابق مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران توسط واک، ابریشم و پشم بود. صادرات ابریشم متأثر از لغو امتیازات واگذار شده پیشین به واک و همین‌طور نوسانات شدید قیمت ابریشم در ایران بود. در سال ۱۱۴۴ق/ ۱۷۳۲ م بین واک و دولت ایران بحث‌هایی پیرامون تجارت ابریشم صورت گرفت. دلیل اصلی شروع مجدد بحث‌های پیرامون تجارت ابریشم واک در ایران پایه و اساس حقوقی و قانونی فعالیت‌های تجاری واک و امتیازات آن در ایران بود که از سال ۱۱۴۴ق/ ۱۷۳۲ م پیوسته وجود داشت. به‌ویژه وقتی حق و امتیاز واک برای تجارت ابریشم که شاه سلطان حسین در سال ۱۱۳۵ق/ ۱۷۲۲ م اعطا کرده بود، توسط نادرشاه لغو شد، این بحث‌ها بالا گرفت. از سویی با وجود اطلاعات جمع‌آوری شده از بازار، هرگز تغییری در روند بهبود اوضاع ایجاد نشد، هرچند که صحبت آن به میان آمده بود. چنانچه در سال ۱۱۵۲ق/ ۱۷۳۹ م به علت بالا بودن نرخ عوارض و مالیات واک تصمیم به توقف صدور ابریشم ایران نمود (Melville, 1999: 355&356, 358). افزون بر این، افزایش قیمت ابریشم در ایران نیز مزید بر علت شد زیرا با این شرایط، تجارت ابریشم برای واک سودآوری نداشت (Floor, 2000: 177).

از دیگر اقلام صادراتی عمده واک از ایران در این دوره، پشم بود. همچون گذشته مسائل سیاسی، عملیات نظامی و بلایای طبیعی بر تجارت پشم تأثیر می‌گذاشت. این عوامل به تبع بر حجم و شرایط تجارت، قیمت و نرخ حمل‌ونقل تأثیر می‌گذاشتند (Floor, 2000: 171).

در سال ۱۱۴۴ق/ ۱۷۳۲ م در کرمان، هلندیان به پیشنهاد عاملان پشم از نادر خواستند که همه امتیازات پیشین ایشان را تجدید و تأیید کند (فلور، ۱۳۶۸: ۱۰۰). با این حال، اخذ مالیات‌های گراف و سنگین از نمایندگان واک در این دوره بر مشکلات تجارت پشم و کرک در ایران می‌افزود و به تبع بر میزان سودآوری آن‌ها تأثیر منفی می‌گذاشت. در شوال ۱۱۴۶ق/ آوریل ۱۷۳۴ م به مردم کرمان دستور داده شد که مالیات تازه‌ای بپردازند. در ماه ژوئن چاپاری از سوی نادر نزد وکیل او در کرمان به این شهر آمد تا دو روزه مقدار ۱۰۰۰ تومان پول نقد گرد کرده و بی‌درنگ به فراه ارسال دارد. هر دو کمپانی هلند و

انگلیس نیز به‌رغم اعتراضشان می‌بایست ۱۵۰ تومان ایک و ۸۰ تومان واک بپردازند و درازای آن یک سند بستانکاری دریافت دارند (فلور، ۱۳۶۸: ۱۰۲).

در ۳ ذی القعدة ۱۱۵۳.ق/ ۱ فوریه ۱۷۴۰م مظفر خان بیگلریگی کرمان، آوانس^۱ (عامل خرید پشم واک در کرمان) را احضار کرد و به او گفت که ۲۰۰ تومان وام می‌خواهد. آوانس ابتدا خودداری کرد سپس در زیر فشار به‌ناچار این پول را داد. تحت این شرایط، هلندیان دیگر مایل به خرید پشم کرمان که سخت گران و از لحاظ کیفیت نامرغوب و موجب زیان بود، نبودند. شورای واک در بندرعباس در ۲۸ ذی القعدة ۱۱۵۳.ق/ ۲۶ فوریه ۱۷۴۰م بر آن شد که آوانس را برای تسویه حساب با شرکت هلند فراخواند و شعبه کرمان را تعطیل کند. هلندیان شعبه نمایندگی خود را در کرمان تعطیل کردند و چون دیگر ارتباط مرتب با آن شهر وجود نداشت بنابراین دیگر منبع دریافت خبر ایشان از ناحیه کرمان از میان رفت (فلور، ۱۳۶۸: ۱۱۹-۱۱۸).

جهت آگاهی از میزان صادرات محصول فوق در دوره افشاریه، در ذیل میزان صادرات واک و ایک را نشان داده‌ایم.

جدول ۸: میزان صادرات کرک توسط واک و ایک در دهه‌های ۱۱۵۴-۱۱۴۳.ق/ ۱۷۴۰-۱۷۳۱م

دهه‌ها	واک (پوند)	ایک (هر عدل ۱۰۰-۹۰ پوند)
۱۱۵۴-۱۱۴۳/۱۷۴۰-۱۷۳۱	۲۵۹,۶۶۰	۳۷۹,۰۰۹
۱۱۶۳-۱۱۵۲/۱۷۵۰-۱۷۴۱	۱,۰۹۸	۱۱۱,۶۹۹

(Potter, 2009: 252)

در مقابل روند واردات واک به ایران همچون گذشته در دوره افشاریه نیز ادامه داشت. شکر از جمله کالاهای وارداتی مهم دیگر واک به ایران بود. در طول سده ۱۱.ق/ ۱۷م واک سود خوبی از فروش این کالا در ایران برد. چنانچه از سال ۱۰۶۰.ق/ ۱۶۵۰م به بعد واک سالانه معمولاً چیزی در حدود ۱.۳-۶.۰ میلیون پوند شکر به ایران صادر می‌کرد؛ اما واردات شکر به ایران در طول حاکمیت افغان‌ها بر ایران کاهش یافت. البته در طول دهه

1- Avans

۱۱۵۲-۱۱۴۲ ه.ق. / ۱۷۳۰ و ۱۷۴۰ م (۴۵۶,۱۲۸ پوند در ۱۷۳۰ م/ ۱۱۴۲ ه.ق.) بالا گرفت. با این حال به‌زودی یک الگوی متناوب کاهش واردات قابل تشخیص است چنانچه در چند سال (۱۱۵۴-۱۱۵۵ ه.ق./ ۱۷۴۳-۱۷۴۲ م) هیچ شکری وارد ایران نشد (Potter, 2009: 254).

در سده ۱۲ ه.ق./ ۱۸ م واردات هلند در زمینه آهن به ایران متناوب بود. چنانچه در دهه ۱۱۵۲-۱۱۴۲ ه.ق./ ۱۷۴۰-۱۷۳۰ م نسبت به دهه پیش به پایین‌ترین حد خود رسید و معمولاً در سال به ۱۵۰۰۰ پوند می‌رسید؛ مثلاً در سال ۱۱۴۳ ه.ق./ ۱۷۳۱ م اصلاً چیزی وارد نکردند یا در سال ۱۱۵۷ ه.ق./ ۱۷۴۴ م به ۱۱۱۱ پوند رسید. پس‌از آن در سال ۱۱۶۳ ه.ق./ ۱۷۵۰ م هلندی‌ها انتظار داشتند چیزی در حدود ۳۰۰۰۰۰ پوند آهن در سال به فروش برسانند اما در واقع چیزی در حدود ۵٪ مقدار موردنظر را وارد نمودند (Floor 2000: 147).

از سویی، اوضاع تجاری کمپانی در خلیج فارس نیز مساعد نبود. در بندرعباس وضع تجارت برای کمپانی هلندی به علت عدم امنیت - مالی و جانی - مناسب گزارش نشده است. در واقع، اوضاع آشفته ایران که از ۱۱۴۲ ه.ق. / ۱۷۳۰ م باز به‌ویژه در زمان فرمانروایی نادر همچنان بی‌سروسامان مانده بود، وضع بندرعباس را بدتر کرد، زیرا که بازرگانی با ایران به وضع پیش از سال ۱۱۳۴ ه.ق./ ۱۷۲۱ م نرسید. افزون بر آن، واک و رقیب آن ایک به‌گونه‌ای روزافزون آماج انواع آزار، درخواست قرض دادن کشتی، درخواست قرض دادن پول، درخواست ارمغان‌ها و رفتارهای بد دیگر بودند. پیش‌تر چنین رفتارهایی اتفاقی بود و سودهای سرشار آن را جبران می‌کرد اما پس از سال ۱۱۳۴ ه.ق./ ۱۷۲۱ م این بار اضافی با کاهش یافتن سودها و سرانجام با حاصل شدن زیان مصادف گشت. جدای از بی‌ثباتی وضع ایران و ناامنی پیوسته در خلیج فارس، افزایش هزینه‌های نظامی در ایران وضعیت واک را بحرانی‌تر کرد. ادامه حالت جنگ، قدرت خرید مردم ایران را کاهش داد و در نتیجه فروش‌ها کاهش یافت. افزون بر آن، پول نقد به نسبت قیمت شمش در جاهای دیگر آسیا، به سبب همین جنگ‌ها کمیاب و گران گشت. واک در صدور شمش به سبب تورم در ارزش پول ایران، زیان فاحش دید. سرانجام وضع داخلی ایران نیز به افول تولید انجامیده و بنابراین امکان صدور کالاهای ایرانی کاهش یافته بود (فلور، ۱۳۷۱: ۱۷۷-۱۷۸).

در ۱۰ شوال ۱۱۶۰ ه.ق. / ۱۵ اکتبر ۱۷۴۷ م شلیک توپ از ارگ بندرعباس به‌طور رسمی

مرگ نادرشاه را اعلام کرد. هلندیان این مرگ را چنین تفسیر کردند که با کشته شدن نادرشاه این امید بار دیگر زنده می‌شود که قلمرو پادشاهی ایران سرانجام به آرامش برسد. وضع بازرگانی از ۱۱۵۸ ه.ق/ ۱۷۴۵ م بسیار بد شده بود، چنانکه اسخوتدرورت^۱ نماینده واک در نامه‌ای که در شوال ۱۱۶۱ ه.ق/ اکتبر ۱۷۴۸ م نوشت تنها با سرافکنندگی جرأت یافت که موضوع بازرگانی را مطرح کند؛ بنابراین جای شگفتی نبود که اداره‌های آسیایی واک باتاویا در ۱۷ جمادی الثانی ۱۱۶۰ ه.ق/ ۲۶ ژوئن ۱۷۴۷ م تصمیم گرفته بود که مرکز بازرگانی واک را در اصفهان تعطیل کند و از تعداد کارمندان مرکز بازرگانی بندرعباس بکاهد. اسخوتدرورت به این امر اعتراضی نکرد. وی حتی به ترک ایران و ترک بازرگانی در خلیج فارس هیچ اعتراضی نداشته است، زیرا که به نظر او بازرگانی از دهه ۱۱۵۲ ه.ق/ ۱۷۴۰ م تنها زیان داشته است. گزارش که در ۱۱۶۹ ه.ق/ ۱۷۵۶ م در باتاویا^۲ مطرح شده تضعیف اساس بازرگانی در خلیج فارس را تأیید می‌کند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۷۹-۱۸۰).

جدول ۹: میانگین سود ناخالص در خلیج فارس در سال‌های ۱۱۶۷-۱۱۱۲ ه.ق/ ۱۷۰۰-۱۷۵۴ م

سال قمری/میلادی	مبلغ (به فلورین)
۱۱۱۲-۱۱۲۱/۹-۱۷۰۰	۴۰۲,۸۵۹
۱۱۳۳-۱۱۲۲/۱۹-۱۷۱۰	۳۶۳,۷۲۸
۱۱۵۱-۱۱۴۲/۱۷۳۰-۱۷۳۹	۷۲,۵۸۷
۱۱۶۲-۱۱۵۲/۱۷۴۰-۱۷۴۹	۷۳,۹۱۲
۱۱۶۷-۱۱۶۳/۱۷۵۰-۱۷۵۴	۱۳۷,۱۳۱
۱۱۶۷-۱۱۱۲/۱۷۵۴-۱۷۰۰	۲۱۸,۴۵۶

(Potter, 2009: 252)

1- schoonderwoerd

2- Batavia

در واقع، پس از سال ۱۱۳۵ ه.ق/۱۷۲۲ م سودآوری ناگهان بشدت کاهش یافت و در حقیقت واک در خلیج فارس بازیان دهی به کار خود ادامه می‌داد. سود خالص از این رو کمتر بود که ارقام جدول بالا دربردارنده هزینه‌هایی مانند مخارج انتقال بین باتاویا تا خلیج فارس، کاهش علاقه به کالاهای به فروش نرفته، استهلاک کشتی‌ها و بیمه دریایی نیست، اما حتی باوجود در نظر گرفتن این هزینه‌ها، واک تا زمان سقوط حکومت صفوی در ایران از تجارتی پرسود برخوردار بود. این وضعیت پس از سال ۱۱۳۵ ه.ق/۱۷۲۲ م تغییر کرد، چراکه در این زمان هزینه‌ها به سبب زیان‌ها (وام و کشتی‌ها) مخارج بالای کارکنان، فروش کمتر، زیان‌های بیشتر در صادرات و اموری از این قبیل به طرز چشمگیری افزایش یافته بود. این وضعیت از قبل هم در دهه ۱۱۴۲ ه.ق/۱۷۳۰ م برای کمپانی آشکار بود، اما کمپانی بنا به دلایل گوناگون در این مورد هیچ‌گونه تصمیمی اتخاذ نکرد. همچنین شرکت امید داشت که اوضاع تغییر کند و ایران به همان وضعیت پیش از سال ۱۱۳۵ ه.ق/۱۷۲۲ م بازگردد، اما چنین چیزی هرگز رخ نداد (Potter, 2009: 255).

تحت این شرایط، مدیران واک معروف به هیرن هفدهم^۱ که در دهه ۱۱۵۲ ه.ق/۱۷۴۰ م از شیوه گزارش‌ها و کارهای مرکز بندرعباس ناخشنود بودند، سرانجام در ۱۱۶۲ ه.ق/۱۷۴۹ م خشم خود را آشکار ساختند. با تعطیل کردن مرکز بازرگانی اصفهان هم‌داستان شدند، زیرا که در آستانه ترک مدیریت واک در سراسر ایران بودند. نتایج بازرگانی از بد، بدتر شده، چشم‌انداز بهبودی دیده نمی‌شد. افزون بر این، هیرن هفدهم به باتاویا خبر دادند که اگر سود بهتری به دست نیاید، دستور خواهند داد که کانون بازرگانی بندرعباس نیز تعطیل شود و کانون‌های دیگر بازرگانی در خلیج فارس را ممکن است به دست یک سرایدار بسپارند. پادشاه جدید ایران عادل شاه کوشید که با عدالت رفتار کند و بر جامعه بازرگانان اثری نیک برجای نهد، زیرا که هلندیان در آغاز گزارش‌های بدی درباره‌ی او نشنیدند. شایع شده بود که او به بازرگانان با بهره تنها ۱۰ درصد پول قرض داده و نیز می‌گفتند که سه سال مالیات مردم را بخشوده است؛ اما هلندیان کمتر شادمان بودند چون شاه از آن‌ها خواسته بود که کالاهای گوناگون به ارزش ۲۵۰۰۰ تومان / ۷۵۰۰۰ فلورین به او تحویل دهند.

اسخوت‌درورت به عادل شاه آگهی داد که نمی‌تواند درخواست شاه را برآورده کند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

به‌ظاهر عادل شاه می‌خواست که بازرگانی رونق یابد. افزون بر کارهایی که در بالا به آن اشاره شد شاه همچنین مایل بود که روابط دوستانه خود را با شرکت‌های بازرگانی اروپایی موجود در ایران همچنان که در فرمان او درباره هلندیان در محرم ۱۱۶۱ ه.ق / ژانویه ۱۷۴۸ م نشان داده‌شده بود، تجدید کند. این پیش‌درآمد دوستانه به‌زودی با رقمی که به نام هلندیان صادر شد، دنبال شد. در این رقم همان امتیازهای پیشین هلندیان تأییدشده بود. این نشانه‌های امید و خوش‌بینی نتوانست حقیقت این وضع را که در بندرعباس و پیرامون آن چنین احساساتی بازتابی نداشت، عوض کند. در آغاز ۱۱۶۰ ه.ق / ۱۷۴۷ م حومه بندرعباس آماج تاراج‌ها و غارت‌های سپاهیان شورشی قرار گرفت؛ و هلندیان همواره این ترس و نگرانی را داشتند که تاراج‌هایی از این دست رخ دهد به‌ویژه از آن می‌ترسیدند که افغانان و بلوچان ناحیه، غارتگری را آغاز کنند. از این‌رو نماینده واک از کشتی هلند ده والخرن^۱ که در آن زمان در لنگرگاه بود ده سرباز امدادی به پادگان مرکز بازرگانی آورد؛ اما خبرهای خوشی که در آغاز درباره رژیم جدید بر سر زبان‌ها افتاده بود صورت عمل به خود نگرفت. برادر عادل شاه، یعنی ابراهیم میرزا که در اصفهان اقامت داشت، رفتاری بسیار بد به‌ویژه نسبت به اروپاییان در پیش گرفت. انگلیسیان که در اصفهان نماینده‌ای داشتند، چندین بار از سوی وی مورد آزار قرار گرفتند. این رفتار با رقمی که عادل شاه در محرم ۱۱۶۱ ه.ق / اوت ۱۷۸۴ م برای آن‌ها صادر کرده و به آن‌ها قول تفقد داده بود و حقوق پیشین آن‌ها را تأیید کرده بود مغایرت داشت (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۱-۱۸۲). از این‌رو، ملاحظه می‌گردد که جنگ‌های جان‌شینی پس از مرگ نادر، تجار اروپایی و از جمله هلندی‌ها را بار دیگر با شرایط نامناسب و نامساعدی جهت امور تجاری و بازرگانی مواجه نمود و وضع بازرگانی را بیش‌ازپیش آشفته ساخت.

1- De Walcheren

نتیجه‌گیری

بررسی‌های تاریخی نشان داد که دوره نادرشاه افشار، دوره‌ی جنگ‌های متمادی داخلی و خارجی بود. این امر، بخش‌های اقتصادی و اجتماعی ایران را تحت‌تأثیر قرار داد. اشتغالات دائمی نظامی نادر و رویکرد نظامیگری وی به عنوان یکی از عوامل مهم در رکود حیات اقتصادی این دوره امکان و فرصت فعالیت گسترده‌ی تجاری را در ایران منتفی ساخت. از سوی دیگر، نادر برای تأمین مخارج جنگ، به دریافت مالیات‌های سنگین از مردم پرداخت. این امر - فشار اقتصادی بر مردم - به رکود اقتصادی در کشور منجر شد و شرایطی را به وجود آورد که ایران در اثر جنگ‌های پیاپی داخلی و خارجی ویران و فقیر شد. از سویی، تداوم این سیاست مالیاتی خشن، به مهاجرت و فرار مردم از کشور و نارضایتی عمومی و شورش‌های پی‌درپی در نواحی مختلف ایران منجر شد. این امر، قدرت اقتصادی کشور را هر چه بیشتر تضعیف و تحلیل برد.

افزون بر این، این رویکرد نظامیگری در سیاست خارجی و به‌تبع بر تجارت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران تأثیر منفی گذاشت. جنگ‌های متناوب با عثمانی و پس‌از آن حمله به هند ضمن ایجاد چالش و تنش منطقه‌ای، سطح تعاملات تجاری طرفین را به علت ناامنی، مسدود شدن موقتی مسیرهای تجاری و اوضاع نامناسب سیاسی و اقتصادی ایران به نسبت دوره قبل، کاهش داد. روابط تجاری ایران با دیگر شریک تجاری منطقه‌ای خود یعنی روسیه نیز متأثر از شرایط ایجادشده، نوسانات شدیدی در این دوره داشت. از سوی دیگر، در این دوره، سطح تجارت خارجی ایران با شرکای تجاری فرمانطقه‌ای خود نظیر کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند و کمپانی مسکوی کاهش یافت. رویکرد نظامیگری نادرشاه که به اخذ مالیات‌های سنگین از تولیدکنندگان و تخریب زیرساخت‌های کشاورزی، تجاری و ناامنی داخلی منجر شد، کاهش تولید عمده‌ترین اقلام صادراتی ایران یعنی ابریشم و پشم را در پی داشت. کاهش اقلام فوق باعث افزایش قیمت آن‌ها گردید و بر قدرت خرید تجار خارجی تأثیر منفی گذاشت. از این‌رو، کمپانی‌ها ضمن نبود شرایط مناسب برای تجارت همواره با کاهش سودآوری مواجه شدند. در نتیجه این شرایط، سطح فعالیت‌ها و تعاملاتشان با ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

اسناد

- P.R.O. 11. C227-RADIEF110-SAL1600-1800, 10000119A, 122A, 132 A, 135A, 136 A.

منابع

- آوری، پیترو و دیگران (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران (از مجموعه تاریخ کمبریج) دوره افشار، زند و قاجار*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ج ۷، تهران: جامی.
- امین (۱۳۶۷)، *منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس*، ترجمه علی میر سعید قاضی، تهران: زرین.
- اولناریوس، آدام (۱۳۸۵)، *سفرنامه آدام اولناریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- اوتر، ژان (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژان اوتر (عصر نادرشاه)*، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان.
- اولیویه (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، بی‌جا: اطلاعات.
- اکس ورسی، مایکل (۱۳۸۹)، *شمشیر ایران: سرگذشت نادرشاه*، ترجمه حسن اسدی، تهران: آمد.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۳۵)، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، برلین: کاوه، چاپخانه کاویانی.
- حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابی طالب (۱۳۷۷)، *رسائل حزین لاهیجی*، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، ناصر باقری بید هندی، اسکندر اسفندیاری، عبدالحسین مهدوی، تهران: آینه میراث.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- ریاض الاسلام (۱۳۷۳)، *تاریخ روابط ایران و هند (در دوره افشاریه و زندیه)*، ترجمه محمدباقر آرام؛ عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیرکبیر.

- رضازاده شفق، صادق (۱۳۸۸)، *نادرشاه (تدوین و ترجمه و گردآوری)*، تهران: نیک فرجام.
- رضا قلی، علی (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی خودکامگی: تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک مار دوش*، تهران: نی.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
- شاردن (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲ و ۴، تهران: توس.
- شعبانی، رضا (۱۳۵۹)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، ج اول، تهران: دانشگاه ملی.
- صنعتی زاده کرمانی، عبدالحسین (۱۳۴۰)، *نادر فاتح دهلی*، ج دوم، تهران: ابن سینا.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵)، *برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان: (روایت شاهدان هلندی)*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____ (۱۳۶۷)، *اشرف افغان بر تختگاه اصفهان*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____ (۱۳۶۸)، *حکومت نادرشاه (به روایت منابع هندی)*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____ (۱۳۷۱)، *اختلاف تجارتنی ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵-۱۷۱۲*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس - ساری.
- فوران، جان (۱۳۸۷)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، چ هشتم، تهران: رسا.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: غلام علی وحید مازندرانی، ۲ جلد، چ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروسینسکی، تادوز یودا (۱۳۶۳)، *سفرنامه کروسینسکی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی مفتون، با مقدمه، تصحیح و حواشی مریم میر احمدی، تهران: توس.
- کشیشان ژزوئیت (۱۳۷۰)، *نامه‌های شگفت‌انگیز از دوران صفویه و افشاریه*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: مؤسسه علمی جوان.
- گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه (۱۷۴۷-۱۷۳۹)، (۱۳۸۱)، ترجمه

- معصومه ارباب، تهران: نی.
- لافون، ف. رابینو، ه.ل. (۱۳۷۲)، *صنعت نوعان در ایران*، ترجمه و تدوین جعفر خماسی‌زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- لکه‌هارت، لارنس (۲۵۳۷)، *نادرشاه*، ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.
- لوریم، ج. ج (۱۳۸۸)، *وقایع‌نگاری خلیج‌فارس بخش تاریخ ایران*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، زیر نظر حسن حبیبی، تهران، بنیاد ایران‌شناسی.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیلی (۱۳۲۸)، *مجمع‌التواریخ*، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: بی‌نا.
- مروی، محمدکاظم (۱۳۷۴)، *عالم‌آرای نادری*، به تصحیح محمدامین ریاحی، ج ۳، تهران: علمی، علم.
- مستوفی، محمد محسن (۱۳۷۵)، *زبده‌التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مشیزی، میرمحمدسعید (۱۳۶۹)، *تذکره صفویه کرمان*، مقدمه، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- مقتدر، غلامحسین (۱۳۳۹)، *نبردهای بزرگ نادرشاه*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ورهرام، غلامرضا، «کمپانی هند شرقی در ایران»، *جستارهای ادبی*، ش ۷۰، پاییز ۱۳۶۴.
- هنوی، جونس (۱۳۶۷)، *هجوم افغان و زوال دولت صفوی*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: یزدان.
- هنوی، جونس (۱۳۸۳)، *زندگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، چ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

– A chronicle of the Carmelites in Persia: the Safavids and the Papal Mission of the 17th and 18th centuries (2012), vol 1, published by: New York.

- Floor, Willem (2000), *The Economy of Safavid Persia*. Published by Reichert Verlag in Wiesbaden.
- John, Foran (May1992), *The Long Fall of the Safavid Dynasty: Moving beyond the Standard Views*. *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 24, No. 2. pp.281&304, published by Cambridge University Press.
- Hanway, Jonas (1783), *An Historical Account of British Trade over the Caspian Sea, with a Journal of Travels, etc*, 2vol, London.
- Melville, Charles (1999), *Safavid Persia: The History and politics of an Islamic Society*, I.B. Tauris publishers. London. New York.
- Rudolph .p. Matthe. *The politics of trade in safavid Iran: silk foe silver, 1600-1730*, Cambridge University Press.
- Edited by Potter, Lawrence G. (2009), *The Persian Gulf in History*, published by Palgrave Macmillan.
- Saldanha, J.A. (1908) *The PERSIAN GULF PRECIS*, Selections from state Papers, Bombay, regarding the East Indi company's connections with the Persian Gulf, with a summary of events, 1600-1800, London.